



با توجه به استفاده فراوان از آیات قرآن و اسماء مقدسه، رعایت احکام شرعی یادآوری می‌شود.

مدیرکل سلامت و امور اجتماعی شهرداری تبریز:

مصمم هستیم برای مبارزه با معضل اعتیاد از هیچ کمکی دریغ نکنیم



تبریز- فلاح: مدیرکل سلامت و امور اجتماعی شهرداری تبریز در بازدید از مرکز بهبودی اقامتی میان ملت «نور نجات»، اراده شخصی را مهم ترین رکن بازدارنده جوانان از اعتیاد عنوان کرد.
به گزارش خبرنگار ما در تبریز، محمدحسین حسن زاده در دومین بازدید خود از مرکز اقامتی «نور نجات» اظهار کرد: مجموعه سلامت و امور اجتماعی شهرداری تبریز براساس رسالت خود در راستای ارتقاء سلامت شهروندی و علی‌الخصوص رفع مشکلات فردی و جمعی رهجویان (معاندان) این مرکز که در حساس ترین شرایط سنی قرار دارند تلاش می کند.

حسن زاده افزود: در اولین جلسه این بازدید پس از مطرح شدن مشکلات عمده توسط رهجویان و مدیر این مرکز، بنابر قولی که داده بودیم با مساعدت تنی چند از مسئولین این مشکلات رفع شدند. وی ادامه داد: سعی و تلاش ما بر این است که همه شما به طور قطعی از این مرکز رهایی یافته و در جایگاه‌های مناسب شغلی و تحصیلی قرار بگیرید و نه تنها برای خانواده بلکه برای جامعه نیز اثرگذار باشید. وی با تأکید بر نقش اراده شخصی رهجویان برای ترک اعتیاد، اضافه کرد: جوانان ونوجوانان آینده سازان این مرز و بوم و صاحب اراده های قوی هستند و به هیچ عنوان چنین مکانهایی در شان آنان نیست و به این دلیل بر اساس قولی که برای تسریع و قطعی شدن ترک اعتیادشان داده بودیم، امروز علاوه بر مساعدت های مادی و معنوی در حد توان در بخش درمان نیز از روانپزشک این حوزه برای امر درمان کمک می گیریم. حسن زاده ضمن تقدیر از حضور سعید محدث مدیر انجمن حمایت از زندانیان تبریز در جمع مذکور، اظهار کرد: همگی ما بر این امر مصمم هستیم که برای مبارزه با معضل اعتیاد از هیچ کمکی دریغ نکنیم و امروز حضور رئیس انجمن حمایت از زندانیان تبریز در این مکان دلیلی بر این ادعاست چرا که حضور و همکاری آنان نیز تأثیرگذار خواهد بود. حسن زاده در پایان از بهینه سازی وضعیت مرکز اقامتی فوق از نظر ورزشی، تغذیه و درمان در آینده ای نزدیک خبر داد. لازم به ذکر است بر اساس اعلام روابط عمومی اداره سلامت و امور اجتماعی شهرداری تبریز، مرکز بهبودی اقامتی میان ملت «نور نجات» تنها مرکز کمپ ترک اعتیاد زیر ۲۵ سال (آقایان) است که تلاش می کند برای رهجویان خود خدمات آموزشی، درمانی، ورزشی و خوداشتغالی ارائه کند.

مدیر عامل شرکت گاز استان اردبیل :

برودت هوا مصرف گاز را در اردبیل افزایش داد



مدیر عامل شرکت گاز استان اردبیل از مصرف بیش از ۱٫۹ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در استان اردبیل در ۹ ماهه امسال خبر داد و گفت : این میزان مصرف گاز در استان ۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته است.

فیروز خدایی در جلسه بررسی میزان مصرف گاز در اردبیل اظهار داشت: در ۹ ماهه نخست امسال بیش از ۱٫۹ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در استان اردبیل به مصرف رسیده که با توجه به کوهستانی بودن و برودت هوا در استان اردبیل و با شروع فصل زمستان، مصرف گاز مشترکان خانگی در روزهای اخیر نسبت به روزهای پیش از آن افزایش یافته است. وی با بیان اینکه در ۹ ماهه امسال این میزان مصرف در بخش های خانگی، تجاری و صنعتی استان بوده است، افزود: از کل گاز مصرف شده در استان، یک هزار و ۶۱۱ میلیون متر مکعب مربوط به مصرف خانگی و صنعتی و ۸۵۹ میلیون متر مکعب گاز نیز از سوی نیروگاه سیکل ترکیبی اردبیل مصرف شده است. مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل بیان کرد: این میزان مصرف گاز طبیعی در استان ۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته که بخش خانگی و صنعتی و ۴۱۱ میلیون متر مکعب رشد و بخش نیروگاه سیکل ترکیبی اردبیل با ۶۱۱ میلیون متر مکعب رشد مصرف گاز نسبت به سال گذشته مواجه بوده است.

خدایی با تأکید بر صرفه‌جویی در مصرف گاز توسط مردم استان اردبیل تصریح کرد: شهروندان می‌توانند در مواقع بروز حوادث مربوط به گاز طبیعی و مشکلات فنی با واحد امداد شرکت گاز استان اردبیل در هر ساعت از شبانه‌روز با شماره‌گیری ۱۹۴ تماس بگیرند و موارد را مطرح کنند تا رسیدگی‌های لازم و به موقع انجام شود. وی گفت: با رعایت نکات بسیار ساده همچون رعایت دمای رفاه بین ۱۸ تا ۲۱ درجه سانتیگراد، پوشیدن لباس گرم در فصل زمستان، استفاده از پرده‌های ضخیم و وسایل گازسوز استاندارد متناسب با فضای محیط، شاهد کاهش چشمگیر مصرف گاز طبیعی خواهیم بود. مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۴۵۰ هزار مشترک گاز طبیعی در استان داریم، اظهار کرد: رعایت مصرف بهینه زمینه‌ساز خدمات‌رسانی مطلوب این شرکت به تمامی مشترکان خواهد شد.

ذکر روز چهارشنبه

۱۰۰ مرتبه «یا حی یا قیوم»

واکش دکتر حمید انصاری به ادعای مضحک «شبکه دشمنان حقوق بشر = بی بی سی»

بخش دوم «پاسخ به تازه‌ترین تزویر روباه پیر»

گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد؛ باید محتوا داشته باشد. ...

بر خلاف بهتانی که در مستند بی.بی.سی به امام زده شده است در دیدگاه امام خمینی حفظ اسلام به هر قیمتی نیست، بیانات زیر که فقط نمونه‌هایی از صدها سخن امام است بی نیاز از هر توضیحی است:«حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید؛ با مردم رفتار خوب بکنید؛ برادر باشید با مردم؛ مردم را این طور حساب نکنید. رژیمهای سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آنها در یک طرف بودند؛ مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می‌کوبیدند؛ مردم هم آنها را اگر می‌توانستند می‌کوبیدند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است، شما هم از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند. شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند. شما کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند؛ پشتیبان شما باشید. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم‌ی باشد؛ آن رژیم از بین نخواهد رفت. ... کاری نکنید که مردم بگویند که‌ای کاش نبود این پاسدار! کاری ما کنیم که مردم بگویند‌ای کاش روحانی‌ت در کار نبود.

مسأله مهم است. قضیه این نیست که مسافق باشم؛ قضیه این نیست آقا ساقط باشید. قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز این طوری است وضع ما. همه ان شاه الله با هم متوجه به اسلام و وظایف پاسداری [بشویم]. و وظایف پاسداری شغل بسیار شریف، و بسیار پر مسئولیت است. شما تا صبح بیداری و از این مردم پاسداری می‌کنید؛ و برای خدایت؛ و در خطر هم هستید؛ چه چیزی بالاتر از این؛ لکن کاری بکنید که مقبول درگاه خدا باشید، این زحمتهای شما خدای نخواستہ هدر نرود، و آن این است که به وظایف پاسداری عمل بکنید. و آن این است که خودتان پاسدار خودتان هم باشید. این جنود ایلیسی که به باطن انسان هجوم می‌کنند، پاسداری کنید نگذارید؛ ردشان کنید؛ پردهشان کنید؛ نگذارید که وسوسه بکنند شیاطین، و خدای نخواستہ یک عملی از شما صادر بشود که اجر شما را از بین ببرد. شما خیلی اجر دارید پیش خدا؛ نگذارید این از بین برود.

و من امیدوارم که همه طبقات این ملت در تحت لوای اسلام با رفاه، با سلامت، با سعادت، همه با سعادت باشند. اگر اسلام بیاید، در اسلام این حرفها نیست که این سفید است و آن سیاه و این گُرد است و آن لر است، این روحانی است و آن چی؛ تقوا میزان است. اسلام اگر آمد، انسان باید از خودش فقط بترسد. نه از حکومت می‌ترسد، نه از ارتش اسلامی کسی می‌ترسد؛ نه از ژاندارمری اش می‌ترسد؛ نه از پاسباش می‌ترسد؛ نه از پاسدارش می‌ترسد. هر کسی باید از خودش بترسد که اعمالش مبادا بد باشد. و من امیدوارم که اسلام به آن طوری که ما می‌خواهیم، به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در ایران پیاده بشود.»

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص: ۴۶۷

امام خمینی نه فقط بعد از پیروزی انقلاب، بلکه حتی یکماه مانده به پیروزی و در زمانی که هنوز در اکثر شهرها حکومت نظامی‌برقرار بود پیروانش را چنین سفارش می‌کند: «مردم موظفند به نیروهای انتظامی و ارتش با برادری و مهربانی رفتار کنند و اگر اشارری قصد حمله به آنان را داشتند از بردارن خود دفاع کنند.»

صحیفه امام؛ ج ۵، ص: ۴۳۵

و در آستانه پیروزی نیز سفارشش به

ملت ایران چنین است:

«باید با نظم و ترتیب و انسانیت و اسلامیت رفتار کنید و به دنیا بفهمانید که شما ملت مُسْلِم به حقایق اسلام آگاهید و به دستورات اسلام پایبند هستید».

صحیفه امام؛ ج ۶ ص ۱۳۲- بهمن ۵۷

از نظر امام خمینی اموری که توجه به آنها برای حفظ نظام و حفظ اسلام

اهمیت دارد از این قبیل است که در سخنانی خطاب به روحانیون می‌فرماید: «الآن که رژیم رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ یک انحرافی واقع شود در مدارس، در کمیته‌ها، در جاهای دیگر، در دادگاهها، این پای اسلام می‌کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با همکیشانمان، با بشر آن طور رفتار می‌کنیم؟ آن شخصی بود که وقتی یک خلخال را از پای یک ذَنبیه یا پهودی یا نصارا بوده است بیرون آورده بودند اشرار. قریب به این معنا- فرموده است که اگر انسان بمیرد برای این ننگی که واقع شده و این چیزی که واقع شده است، خیلی بعید نیست. ما صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۷

«سربازان و درجه داران و افسران موظفند سلسله مراتب را حفظ و مراعات کنند؛ چنانچه رؤسای فوق موظفند با ارتش به طور محبت و برادری رفتار نمایند و از دیکتاتوری که در رژیم طاغوت بود اجتناب نمایند.»

صحیفه امام؛ ج ۷ ص ۲۱

«امروز روزی است که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی و استقلال مرحمت فرموده است، و ما را با این آزادی و استقلال امتحان می‌کند. ما را آزادی مرحمت فرموده است که ببیند در این آزادی ما چه می‌کنیم. ما مستقل شدیم و خداوند به ما این مرحمت را فرمود تا ما چه بکنیم: آیا ما هم مستکبرین باشیم یا از مستضعفین؟ هر فرد، می‌شود که مستکبر باشد و می‌شود مستضعف باشد. اگر من به زیر دستهای خودم، و لو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و شمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفان هستند. اگر شما کسی که زیر دستتان هست ضعیف شمردید، با آنها خدای نخواستہ تعدی کردید، تجاوز کردید، شما هم مستکبر می‌شوید. و آن زیردستها مستضعف، ببینیم ما از این امتحان، از این بوته امتحان چطور بیرون می‌آییم. آیا سرفراز بیرون می‌آییم یا گردن کج و شکسته؟ آیا ما با بندگان خدا به طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است رفتار می‌کنیم؟ حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می‌دهیم. با آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار بر مردم؟ ... اگر از امتحان بد درآییم، ممکن است که باز عنایت خدا ببردود، آزادی سلب شود. استقلال گرفته بشود. همین دنیا ممکن است که ما اگر- چنانچه- بر خلاف موازین الهی رفتار کنیم و این آزادی را اسباب دست برای تعدی به مظلومان قرار بدهیم، در همین دنیا ممکن است ما مجازات منتهای خود را بکنیم. ما با ما عالم ارتش جوری باشد، شهربانی جوری باشد، ژاندارمری جوری باشد، که مردم به آنها محبت داشته باشند؛ احساس دوستی و محبت بکنند. نه اینکه وقتی که شهربانی بیاید یا مأمور شهربانی بیاید توی بازار، مردم از او بترسند و او نفرت داشته باشند. ... یک حکومتی که برای مردم باشد، مردم آن را بخوانند، این نمی‌ترسد از اینکه توی بازار مردم بیاید، توی جمعیتها بیاید و با آنها بنشیند صحبت کند؛ هیچ از اینها باکی ندارد. چنانکه صدر اسلام این طور بوده است...

«ای عزیز مدعی اسلام، در حدیث شریف کافی از حضرت رسول(ص) منقول است: المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه. «مسلمان کسی است که مسلمانان سالم باشند از دست و زبان او.» چه شده است که من و تو به هر اندازه که قدرت داشته باشیم و دستمان برسد آزار زیر دستان را روا می‌داریم و از ایذا و ظلم با آنها مضایقه نداریم، با اگر با دست نتوانستیم آزارشان کنیم، با تیغ زبان در حضور آنها، و گر نه در غیاب اشتغال به کشف اسرار و هنک استار آنها پیدا می‌کنیم و به نهمت وغیبتشان می‌پردازیم. پس، ما که مسلمانان از دست و زبانمان سالم نیستند، دعوی اسلامیتمان مخالف با حقیقت و قلبمان مخالف با علنمان است، پس صحیفه امام؛ ج ۷، ص: ۴۸۹

«ای عزیز مدعی اسلام، در حدیث شریف کافی از حضرت رسول(ص) منقول است: المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه. «مسلمان کسی است که مسلمانان سالم باشند از دست و زبان او.» چه شده است که من و تو به هر اندازه که قدرت داشته باشیم و دستمان برسد آزار زیر دستان را روا می‌داریم و از ایذا و ظلم با آنها مضایقه نداریم، با اگر با دست نتوانستیم آزارشان کنیم، با تیغ زبان در حضور آنها، و گر نه در غیاب اشتغال به کشف اسرار و هنک استار آنها پیدا می‌کنیم و به نهمت وغیبتشان می‌پردازیم. پس، ما که مسلمانان از دست و زبانمان سالم نیستند، دعوی اسلامیتمان مخالف با حقیقت و ملت دنبالش است؛ ملت حافظش است.»

صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۳۴۸

در زمره منافقان و دورویانیم» -.

شرح چهل حدیث، ص: ۱۶۱

«بیدار بشویم ما! دولتمردان بیدار بشوند! استنادارها بیدار بشوند! ما دعوی شیعه گری را می‌کنیم. ادعا هست که ما شیعه و تابع هستیم. در مقام امتحان، باز شیعه هستیم؟ تبع هستیم آن طوری که او هست؟ به اندازه‌ای که وسعت وجودی ما هست برای اسلام می‌کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با همکیشانمان، با بشر آن طور رفتار می‌کنیم؟ آن شخصی بود که وقتی یک خلخال را از پای یک ذَنبیه یا

پهودی یا نصارا بوده است بیرون آورده بودند اشرار. قریب به این معنا- فرموده است که اگر انسان بمیرد برای این ننگی که واقع شده و این چیزی که واقع شده است، خیلی بعید نیست. ما صحیفه امام؛ ج ۱۳ ص ۲۵۹

انسانی - اسلامی تخطّی می‌کند، او را نهی کنید. اگر نمی‌شوند، کنار بگذارید. باید همه به وظیفه

اسلامی عمل کنیم. به دست دیگران فرصت ندهیم، بهانه ندهیم دست دشمنان که ما را آلوده کنند و بگویند که اهل علم، یا دیکتاتور هستند یا انحرافات دارند یا برای خودشان می‌خواهند یک مسأله درست کنند. امروز بسیار مسأله مهم است و با سایر مسائل فرق دارد. باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مُضَرّ است. باید عالم مُتقی باشد و متوجه برگردانند. و چون بین مردم هیچ پایگاه نداشت توانست. نه خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند.»

صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۳۰۳

«همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا پاسداری این است که این حکومت، «عدل» باشد، و «پاسداری از عدالت» باشد. پاسداری از عدالت این است که؛ پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و در این طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد. اگر فرض کنید که ماها مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است، اگر بنا باشد ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب- [در] آنچه‌ای که خراب کردن و زدن و کشتن و کشته شدن بود درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم- اما در این مرحله، که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است، ما خدای نخواستہ پاسداری مان از یک همچو حکومت عدل اسلامی به در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، تا پاسدار عدالت باشیم، پاسدار یک حکومت عادلانه، چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود، نمی‌توانیم بگوییم که این جهت انقلاب ما متحقق پیدا کرده است.

... چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید چه سایر قشرها، که یکی اش هم قشر روحانیت است که آنها هم پاسدار هستند و لو این لفظ پاسدار بر آنها حلالاطلاق نمی‌شود، لکن به‌حسب واقع پاسدار از اسلام هستند؛ اگر این جمعیت آن طوری که باید این وجهه از انقلاب را، که انقلاب آمدن یک رژیم عادل به جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم،

نشستن رژیم به جای یک رژیم فاسد [است]مراعات نکنند آن جهت انقلابی را، مراعات نکنند آن عدالت

اسلامی را - که عدالت اسلامی‌از خود انسان شروع می‌شود تا همه جا: عدالت در خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم محله، عدالت با همشهری، عدالت با هم استانی، عدالت با هم مملکتی، عدالت با همسایه‌های کشورهانی که با ما هستند، عدالت با همه بشر، اگر این معنا حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است، نه پاسدارش پاسدار اسلام... کوشش کنید که در این مرحله دوم، که مرحله حکومت عدل است، رژیم عادلانه است، رژیم اسلام است، جمهوری اسلامی است، در این مرحله به وظایف پاسداری در این مرحله قیام کنید. پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید؛ از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواستہ، فرض کنید یک نفر جوان مستمای به «پاسدار» به رفیقش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، یک کار بگذارید. باید همه به وظیفه از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است.

... ما هم، آقایان هم، باید کوشش کنید به اینکه گفته نشود روحانیون این جور هستند؛ آخوندها این جورند. امروز همه چشمها به این کشور دوخته است، و بیشتر چشم آنها که می‌خواهند مشاهده کنند؛ می‌خواهند اشکال تراشی کنند؛ می‌خواهند این نهضت ما را یک نهضت صحیح ندانند. چشمها الآن [به] این مطلب دوخته شده است. مناقشه می‌کنند؛ می‌نویسند در روزنامه‌های خارج، زیاد می‌نویسند. اینجا در روزنامه‌ها شاید با اشاره و این چیزها باشد؛ اما آنچه‌ها با صراحت می‌نویسند. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می‌نویسند؛ لکن اگر مایکقدم خلاف برداریم، بهانه به دست آنها می‌آید و یک کار را هزار کار نمایش می‌دهند.

تکلیف: امروز برای شما پاسدارها و ما هم که مدعی پاسداری هستیم، تکلیف زیاد است. مشکل است، «عدل» باشد، و «پاسداری از عدالت» باشد. پاسداری از عدالت این است که؛ پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و در این طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد. اگر فرض کنید که ماها مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است، اگر بنا باشد ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب- [در] آنچه‌ای که خراب کردن و زدن و کشتن و کشته شدن بود درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم- اما در این مرحله، که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است، ما خدای نخواستہ پاسداری مان از یک همچو حکومت عدل اسلامی به در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، تا پاسدار عدالت باشیم، پاسدار یک حکومت عادلانه، چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود، نمی‌توانیم بگوییم که این جهت انقلاب ما متحقق پیدا کرده است.

... چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید چه سایر قشرها، که یکی اش هم قشر روحانیت است که آنها هم پاسدار هستند و لو این لفظ پاسدار بر آنها حلالاطلاق نمی‌شود، لکن به‌حسب واقع پاسدار از اسلام هستند؛ اگر این جمعیت آن طوری که باید این وجهه از انقلاب را، که انقلاب آمدن یک رژیم عادل به جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم،

صحیفه امام؛ ج ۶، ص: ۴۶۳

ادامه در صفحه ۷